

## نجوم از ۵۰ هزار سال قبل تا ۵ هزار سال قبل

شاهپور نصرتی

۱۴۰۲

در تصور انسان روزگاران بسیار کهن، زمین مرکز عالم قرار داشته و آسمان با همه‌ی ستارگانش که نقاطی درخشان و ثابت بر آن بودند، به گرد زمین می‌گردند. این گردش شبانه‌روزی را هزاران سال تجربه کردند. اما اولین نگرش صحیح در شناخت آسمان و زمین از آن چه کسی بود. اولین منجم که بوده، و چه کسی پی برد که زمین سیاره است. اولین شناخت از ستارگان آسمان را چه کسی دارا بود؟ نخستین بار چه کسی ستارگان را گروه‌بندی کرد؟

کسی تاریخ صد هزار ساله را نمی‌داند که بتواند به این سوالات پاسخ دهد ولی یافتن جواب از طریق وحی بسیار آسان است. در قرآن، سوره‌ی شریف بقره و در آیه ۳۰ خداوند می‌فرماید «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»؛ «به آدم علیه‌السلام تمام اسماء را آموخت». این اسامی و نام‌ها شامل تمامی چیزهایی بود که برای زندگی انسان بر زمین مورد نیاز بود. اسامی مظاهر طبیعت مانند آسمان، خورشید، ستارگان، کوه‌ها، درختان، گل و گیاهان داروئی و هر آنچه که ضروری بشر اولیه بود را خدای تعالی از طریق فرشتگان به آدم (ع) آموخت. از جمله آموزش‌های فرشتگان به حضرت (ع) علوم نجوم و پزشکی بود چنانکه در روایتی آمده که:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ عَرَّفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَّفَهُ النُّجُومُ وَ الطَّبُّ...؛ خداوند هنگامی که آدم (ع) را از بهشت به زمین هبوط داد و به او هر علمی را آموخت، پس به او نجوم و طب را نیز یاد داد.

بنابراین آدم (ع) در پنجاه هزار پیش، اسامی برخی ستارگان را که برای راهنمایی او در کوه و دشت و دریا ضروری بودند، می‌دانست و این ستارگان را تشخیص می‌داده است. همچنین خانواده و نسل او از این علم بی‌بهره نبوده‌اند. از جمله‌ی این آگاهی‌ها، شناختن چند سیاره

بوده که شاخص‌ترین آنها سیاره‌ی زهره است. این سیاره که به ستاره‌ی صبحگاهی (شامگاهی) معروف است جلوه‌ی خاصی قبل (بعد) از طلوع (غروب) خورشید دارد. همچنین وی مریخ و مشتری را نیز می‌شناخته و به مسیر حرکت روزانه‌ی آنها در آسمان آگاه بوده است.



تصویر ماه و زهره از اندرو آلن، ۲۰۲۰

با ازدیاد نسل بشر و پراکندگی آنها، مسلماً نشر آگاهی و دانش نیز پراکنده خواهد شد و نسل‌های بعدی حضرت آدم از حقایق بی‌خبر ماندند. در پی کشف حقایق و یافتن رازهای طبیعت خود به جستجو پرداختند و به این باور رسیدند که زمین می‌بایست در مرکز جهان باشد و فرض می‌کردند که خورشید، ماه و ستارگان به دور زمین ساکن می‌گردند. روش آنان که به معنای امروزی کلمه، چندان علمی محسوب نمی‌شد، به طور عمده‌ای معطوف به مسائل عملی در زندگی می‌شد. مسائلی در رابطه با رویدادهای جوی و آسمانی و یا با حوادث زمینی، و مهم‌تر از همه به جستجوی یافتن نشانه‌هایی از شگون و بدشگونی در پهنای زمین و آسمان.



گردش ستارگان حول قطب.

یافتن این گونه آگاهی و دانش با تجربیات بسیار و به کندی انجام می گرفت و به خاطر محدودیت های ابزاری و ذهنی ماندگار نبود، وگرنه طی این پنجاه هزار سال معلومات بسیاری اکنون می بایست در دست ما باشد. بیشتر دانش نجوم درباره ی ستارگان و سیارات و صورت های فلکی، از طریق نوشته های یونانیان که به عربی و فارسی ترجمه شده بود، به ما رسیده است.